

۱- «كانت المدرسة قد دعت بعض صديقاتي إلى حفلة نجاحنا بعد امتحانات نهاية السنة!»:

- ۱) پس از امتحانات آخر سال، مدرسه بعضی دوستانم را به جشن قبولیمان دعوت کرده بود!
- ۲) بعد از قبولی در امتحانات پایان سال، مدرسه برخی دوستان را به جشن قبولیام دعوت کرد!
- ۳) مدرسه‌ی ما بعد از امتحانات پایان سال، برای جشن موفقیت ما بعضی دوستان را دعوت کرده بود!
- ۴) مدرسه به خاطر قبول شدن ما در امتحانات آخر سال، برخی دوستان را به جشن قبولی ما دعوت کرد!

۲- «لَمَّا سَمِعْنَا أَشْعَارَ هَؤُلَاءِ الشُّعْرَاءِ حَوْلَ فَضِيلَةِ الْأُمِّ شَجَعْنَاهُمْ عَلَى الْإِنْشَادِ أَكْثَرَ فَاكْثَرًا!»:

- ۱) چون شعرهای شاعران را درباره‌ی فضیلت مادر شنیدیم، ایشان را بر سروده‌های بیش‌تری تحسین کردیم!
- ۲) وقتی اشعار این شعرا را راجع به فضیلت مادر شنیدیم، آن‌ها را بر سرودن بیش‌تر و بیش‌تر تشویق کردیم!
- ۳) هنگامی که سروده‌ی شاعران را در مورد برتری مادر گوش کردیم، آنان را به خاطر سرودن بیش‌تر تشویق نمودیم!
- ۴) آنگاه که سروده‌های این شعرا را پیرامون برتری مادر گوش دادیم، آنان را بر سرآیدن بیش از پیش تحسین نمودیم!

۳- «من الناس من يُشبه المصباح، يُنور الطريق لك ثم يزول نوره شيئاً فشيئاً، فيجعلك مصباحاً لإضاءة طريق الآخرين!»:

- ۱) از بین مردم برخی به چراغ می‌مانند، در حالی که راه را نورانی می‌کنند و سپس بی‌نور و خاموش می‌شوند، آنگاه تو را چراغ راه دیگران می‌کنند!
- ۲) کدام دسته از مردم مثل چراغ، راه را روشن می‌کنند، اما کم‌کم نور خود را از دست می‌دهند، و از تو چراغی می‌سازند که راه دیگران را روشن کنی!
- ۳) بعضی از مردم شبیه چراغ هستند، راه را برای تو روشن می‌کنند و کم‌کم نور آن از بین می‌رود، آنگاه تو را چراغی برای روشن کردن راه دیگران قرار می‌دهد!
- ۴) بعضی مردم چون چراغی هستند که راه را برایت روشن می‌کنند، ولی کم‌کم نور آنها محو می‌گردد، و تو در این هنگام چراغی می‌شوی که راه دیگران را روشن می‌کنی!

۴- «وجدت طريق علاجى فى مقالات المجلّات الطّبيّة الّتى قد كُنّبت عن عوامل تُسكّن آلام المفاصل!»: راه درمانم را در ...

- ۱) مقاله‌های پزشکی پیدا کردم که در مجله‌ها نوشته شده است، راجع به عواملی که دردهای مفاصل را کم می‌کند!
- ۲) مقالات مجلات پزشکی پیدا کردم که درباره‌ی عواملی که دردهای مفاصل را آرام می‌کند، نوشته شده است.
- ۳) مقاله‌هایی که درباره‌ی عوامل کاهش‌دهنده‌ی دردهای مفاصل، در مجلات پزشکی نوشته می‌شود، پیدا کردم!
- ۴) مقالات پزشکی مجله‌ها پیدا کردم آن‌جا که درباره‌ی عوامل آرام‌کننده‌ی دردهای مفاصل نوشته شده بود!

۵- «كُلَّمَا أَنْظَرْتُ إِلَى النَّعْمِ الّلتى تُوفّر لى فى الحياة، أشكر ربّى الحنون!»:

- ۱) هر دفعه به نعمتی که در زندگیام فراهم گردیده است نگاه کرده‌ام، از پروردگار مهربان خود تشکر نموده‌ام!
- ۲) هر زمان به نعمت‌هایی که در زندگیام مهیا کرده‌ام، نگاه افکندم، از خدای مهربان سپاسگزاری کرده‌ام!
- ۳) هر بار به نعمتی که برای من در زندگی مهیا می‌کنند نگاه می‌کنم، خدای محبوبم را شکر می‌کنم!
- ۴) هر بار به نعمت‌هایی که در زندگی برایم فراهم می‌شود می‌نگرم، پروردگار مهربانم را شکر می‌کنم!

۶- «إِنَّا مَكْلُوفُونَ بِالْإِنْتِفَاعِ مِنَ الطَّيِّبَاتِ الَّتِي خَلَقْتَ لَنَا فِي حَيَاتِنَا، لِأَنَّهَا تَضْمَنُ سَلَامَةَ أَرْوَاحِنَا وَ أَسْمَانِنَا!»:

- ۱) ما مکلف هستیم که از پاکیزه‌هایی که آفریده شده‌اند در زندگی استفاده کنیم، چه سلامت روح و بدن را تضمین می‌کنند!
- ۲) ما به بهره‌بردن از روزی‌های پاکی که برای ما به وجود آمده است مکلف هستیم، زیرا که سلامت روان و جسممان را تضمین می‌کنند!
- ۳) ما مکلف به بهره‌مند شدن از روزی‌های پاکی شده‌ایم که خداوند برای ما خلق کرده، تا در زندگانی سلامتی روان‌ها و بدن‌هایمان را تضمین کنند!
- ۴) ما به استفاده از پاکیزه‌هایی که برای ما در زندگی مان آفریده شده است مکلف شده‌ایم، زیرا آن‌ها سلامت روح‌ها و بدن‌های ما را تضمین می‌کنند!

۷- «إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَعْطَى الْإِنْسَانَ كَثِيرًا مِنَ النِّعَمِ حَتَّى يَسْتَطِيعَ أَنْ يَنْتَفِعَ بِهَا فِي حَيَاتِهِ!»:

- ۱) خداوند نعمت‌های کثیری به انسان بخشیده است تا در زندگیش از این نعمت‌ها بهره‌مند شود!
- ۲) خداوند بسیاری از نعمت‌ها را به انسان عطا کرده است تا بتواند در زندگی خود از آن‌ها بهره‌بردار!
- ۳) نعمت‌های کثیری را خداوند به انسان می‌دهد و او قادر خواهد بود در زندگی خود از آن‌ها استفاده کند!
- ۴) بسیاری از نعمت‌های الهی به انسان عطا شده است تا او بتواند از آن‌ها به نفع خود در زندگی استفاده کند!

۸- «تَفَسَّحْنَا لَهُ فِي مَكَانِنَا وَ أَجْلَسْنَاهُ إِلَى جَانِبِنَا وَ رَحَبْنَا بِهِ وَ كُنَّا قَدْ تَعَجَّبْنَا مِنْ كَفِّهِ الْخَشِنَتَيْنِ!»:

- ۱) وقتی کنار ما جایی برای او باز شد پیش ما نشست و ضمن خیر مقدم به او از دستان زبرش متعجب شدیم!
- ۲) در کنار خود جایی باز کردیم تا نزد ما بنشیند و با تعجب از دستان او که خشن بود، به او خیرمقدم گفتیم!
- ۳) وقتی برای او نزد خودمان جا باز کنیم کنار ما می‌نشیند در حالی که به او خوش آمد می‌گوییم و از دستان زبر او تعجب می‌کنیم!
- ۴) نزد خودمان برای او جا باز کردیم و او را کنار خود نشان‌دادیم و به او خوش آمد گفتیم، و ما از دستان خشن او تعجب کرده بودیم!

۹- «إِنَّ الْمَعْلَمِينَ كَالْأَنْبِيَاءِ يَسْتَفِيدُونَ مِنْ كُلِّ فُرْصَةٍ لِيُشَجِّعُوا النَّاسَ عَلَى أَنْ يَهْتَمُّوا بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ!»:

- ۱) معلمان چون پیامبران از هر فرصتی استفاده می‌کنند تا مردم را تشویق کنند به مکارم اخلاق اهتمام ورزند!
- ۲) آموزگاران و انبیاء از هر فرصتی استفاده می‌کنند که مردم تشویق شوند به مکارم اخلاق اهتمام بیش‌تری بورزند!
- ۳) آموزگاران و پیامبران از همه‌ی فرصت‌ها استفاده می‌کنند تا مردم را تشویق کنند به مکارم اخلاق توجه بیش‌تری کنند!
- ۴) معلمان چون پیامبران هستند که از همه‌ی فرصت‌ها برای تشویق مردم و جلب آن‌ها به مکارم اخلاق استفاده می‌کنند!

۱۰- «زُودَ اللَّهُ كَلًّا مِنْ مَخْلُوقَاتِهِ بِخَصَائِصٍ مِمْتَازَةٍ حَتَّى يَسْتَفِيدَ مِنْهَا فِي الْحِفَافِ عَنْ نَفْسِهِ مَقَابِلَ خَشُونَةِ الْحَيَاةِ!»:

- ۱) خدا هر یک از مخلوقاتش را خصوصیت‌متماری بخشیده تا با آن خود را در زندگی خشن و سخت حفاظت کند!
- ۲) خدا همه مخلوقات را به خصایل برجسته‌ای مجهز کرده تا آن‌ها را در حفاظت از خود در برابر ناملایمات زندگی به کار گیرند!
- ۳) خداوند به هر کدام از آفریده‌ها خصلت ممتازی داده تا بدان وسیله بتوانند از خود در مقابل خشونت زندگی محافظت نمایند!
- ۴) خداوند هر یک از آفریدگانش را به خصوصیتی برجسته تجهیز کرده تا از آن‌ها در حفاظت از خویش در مقابل خشونت زندگی استفاده کند!

۱۱- «اليوم حاولت أن أعطى ذلك العامل هدية تُقلل من تعب عمله!»:

- ۱) تلاش من امروز این بود که با دادن هدیه‌ای به آن کارگر از سختی کارش بکاهم!
- ۲) امروز تلاش کردم به آن کارگر هدیه‌ای بدهم که از سختی کارش کم کند!
- ۳) امروز سعی نمودم که با دادن هدیه از سختی کار آن کارگر بکاهم!
- ۴) با تلاش امروزم در دادن هدیه به آن کارگر سختی عمل او کم شد!

۱۲- «لا تنظر إلى الدنيا بالتشاؤم، فإنه يتلف عمرک و لا يسمح لك أن تذوق طعم الحياة الحقيقي!»:

- ۱) با بدبینی هیچ‌گاه به دنیا منگر، چه عمر را تلف کرده نمی‌گذارد تو طعم زندگی واقعی را بچشی!
- ۲) با بدبینی به دنیا نگاه مکن، زیرا عمرت را تباه می‌کند و به تو اجازه نمی‌دهد طعم حقیقی زندگی را بچشی!
- ۳) به دنیا با بدبینی نگاه مکن، زیرا عمر را تلف می‌کند و به تو اجازه نمی‌دهد طعم حقیقی زندگی را درک کنی!
- ۴) به این دنیا با بدبینی که زندگیت را تلف می‌کند نگاه مکن، چه اجازه نمی‌دهد طعم واقعی زندگی را درک کنی!

۱۳- «لم يكن أحد يظن أنني أكون صبوراً هكذا أمام متاعب الدنيا!»:

- ۱) کسی تصور نمی‌کند که من تا این حد در برابر مشکلات زندگی مقاوم باشم!
- ۲) کسی گمان نمی‌کرد که من در مقابل سختی‌های دنیا این چنین صبور باشم!
- ۳) هیچ‌کس تصور نمی‌کرد که من این همه در برابر پیچیدگی‌های زندگی مقاوم کنم!
- ۴) هیچ‌کس گمان نکرد که من این چنین در مقابل سختی و مشقت دنیا شکیبایی بخرج دهم!

۱۴- «كلّ خلیه من خلايا العين في القطه تعمل عمل انعكاس الضوء كالمراه»:

- ۱) همه‌ی سلول‌های چشم گریه نور را همچون آینه در خود منعکس می‌کنند!
- ۲) هر سلولی در چشم گریه مثل آینه‌ای مسوولیت انعکاس نور را به عهده دارد!
- ۳) تمام سلول‌های چشم در گریه همچون آینه عمل انعکاس نور را انجام می‌دهند!
- ۴) هر سلولی از سلول‌های چشم در گریه عمل انعکاس نور را مثل آینه انجام می‌دهد!

۱۵- «أشكر الله على هذه الأيام الماطرة، قد طاب الهواء و أنا الآن أشاهد ظاهرة قوس قزح مع ألوانها الجميلة!»:

- ۱) خدا را به‌خاطر این روزهای بارانی شکر می‌کنم، هوا پاک شده است و من الآن پدیده‌ی قوس قزح را با رنگ‌های زیبایش مشاهده می‌کنم!
- ۲) خدا را به‌خاطر روزهای پر باران کنونی شکر خواهم کرد که هوا را پاک کرده، و من اکنون شاهد رنگ‌های زیبای قوس قزح هستم!
- ۳) خدا را برای این روزهای پر بارانی که هوا پاک شده و اکنون می‌توانم پدیده‌ی رنگین‌کمان و رنگ‌های آن را ببینم، شکر گزارم!
- ۴) خدا را شاکرم برای این روزها که باران می‌بارد، هوا پاک شده و من می‌توانم رنگین‌کمان و رنگ‌های زیبای آن را ببینم!